

استمرار احساس امنیت در جامعه و راهکارهای ارتقای آن

(نگرشی بر تئوری‌های همه‌جانبه‌سازی احساس امنیت در جامعه)

علی احتشامی^۱

حسن جوادی نیاکانی^۲

چکیده

احساس امنیت ماحصل بعد ذهنی امنیت است. آن‌چه در احساس امنیت مؤثر است، نوع نگاه افراد جامعه به امنیت است؛ چراکه ممکن است در جامعه‌ای امنیت در حد بالایی وجود داشته باشد با این حال افراد جامعه با توقعاتی که برایشان ایجاد شده است، احساس امنیت نکنند و برعکس. این احساس در گستره وسیعی از احساس وحشت و ناامنی تا احساس امنیت کامل قرار دارد. نظریه پردازان حوزه‌های علوم اجتماعی و امنیت، عواملی مختلفی را بر احساس امنیت یا ناامنی مؤثر می‌دانند. جنسیت، سن، توانمندی، سابقه بزه‌دیدگی یا تجربه جرم و ... از جمله عواملی هستند که نظریه پردازان آن‌ها را بر احساس امنیت مؤثر می‌دانند و البته برای اثبات یا نفی یا میزان تأثیر هر کدام از این عوامل نیز استدلال‌هایی ارائه کرده‌اند.

محققین در این پژوهش ضمن پرداختن به مبانی نظری احساس امنیت در اسلام، آرا و اندیشه‌های مقام معظم رهبری و سایر اندیشمندان و نظریه پردازان درصدد تحلیل نظریات ارائه شده برآمدند. مطالعات انجام شده در این مقاله در راستای احصاء روش‌های ایجاد احساس امنیت بود تا بر آن اساس بتواند راهکارهایی برای ایجاد احساس امنیت همه‌جانبه و ارتقای آن ارائه نماید. بر اساس نظریات ارائه شده در این مقاله می‌توان راهکارهایی را برای ارتقای احساس امنیت همه‌جانبه پیشنهاد داد. در این راه کارها به باور و اعتقاد مردم، نقش ولایت فقیه، قوای سه‌گانه، نهادهای امنیت‌ساز، قوانین و مقررات، عملکرد رسانه‌ها، آگاه‌سازی مردم و تأمین امکانات رفاهی افراد جامعه توجه شده و از طرفی جلوگیری از رانت‌خواری، فعالیت سودجویان، بهره‌کشی و نیز تخریب وسیع شخصیت‌های مذهبی و سیاسی مدنظر قرار گرفته است. شمولیت، سطح‌بندی و رتبه‌بندی این راهکارها قابل‌سنجش است.

واژگان کلیدی

احساس امنیت، امنیت اجتماعی، امنیت انسانی، امنیت فردی، امنیت همه‌جانبه، نیازهای امنیتی.

۱. دانشجوی مقطع دکتری رشته مطالعات امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی 110ehteshami@gmail.com

۲. دانشجوی مقطع دکتری رشته مطالعات امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی hasan.javadi1352@gmail.com



۱. مقدمه

مفهوم امنیت دارای دو رویکرد است: یک رویکرد عینی و واقعی که امنیت را محاسبه‌پذیر قلمداد می‌کند و دوم رویکرد ذهنی یا احساسی که به‌هیچ‌وجه در محاسبات عادی امنیت قابل تعریف نیست؛ چراکه این رویکرد در مفهوم امنیت مبتنی بر واکنش‌های روانشناختی انسان‌ها نسبت به خطر و اقدامات مقابله‌ای شکل می‌گیرد و متناسب با گوناگونی شخصیت‌ها، نگرش‌ها، اعتقادات و سایر عوامل روان‌شناختی، این واکنش‌ها می‌تواند متنوع و متفاوت باشد.

پیش‌شرط رشد جوامع و خودشکوفایی آن‌ها متکی بر سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی بوده و این دو نیازمند امنیت و احساس امنیت است. لذا موضوع احساس امنیت نسبت به امنیت از اهمیت بالاتری برخوردار است و همان‌گونه که امنیت امری لازم است، احساس امنیت نیز به همان اندازه لازم و ضروری است. چراکه ممکن است در یک جامعه اقدامات تأمینی به‌شدت توسط نهادها و دستگاه‌های امنیتی و انتظامی صورت گیرد اما به دلایل مختلف افراد جامعه احساس امنیت نکنند به‌نحوی که احساس ناامنی یا فقدان امنیت به یکی از مشکلات جوامع بشری تبدیل شده است. گرچه، ممکن است این احساس در وهله اول فقط در بعد ذهنی نمود پیدا کند اما تداوم آن از ذهنیت به عینیت تجلی می‌یابد. درواقع نداشتن یا ضعیف دانستن امنیت در وهله اول یک احساس تلقی شده و در مرحله حادثر به‌صورت یک واقعیت یا پدیده اجتماعی بروز می‌کند و به یک معضل و آسیب اجتماعی تبدیل می‌شود که ممکن است اقتدار نظام سیاسی را تضعیف نماید.

گاهی ممکن است ناامنی‌هایی در جامعه وجود داشته باشد ولی مردم آن را احساس نکنند و زمانی هم مصداق ناامنی کم است، اما مردم احساس ناامنی می‌کنند. پورمؤذن حالات چهارگانه زیر را بین بعد عینی و ذهنی امنیت برشمرده است:

- امنیت وجود دارد، احساس امنیت نیز وجود دارد.
- امنیت وجود ندارد، احساس امنیت هم وجود ندارد.
- از نظر پلیس و دستگاه‌های امنیتی و براساس شاخص‌ها و معیارها، امنیت حاکم است اما مردم احساس امنیت نمی‌کنند.





- براساس معیارهای پلیس و دستگاه‌های امنیتی، امنیت از شاخص بالایی برخوردار نیست، اما مردم احساس امنیت می‌کنند (پورمؤذن، ۱۳۸۳: ۴۹).

مثال بارز موضوع احساس در مقایسه دو شهر تهران و توکیو نمود دارد. هر دو شهر حدود ۱۲ میلیون نفر جمعیت (ثابت و شناور) دارند. تعداد خودروهای موجود در توکیو حدود دو برابر تهران است. بر اساس آمارهای اعلام‌شده، سرقت سالیانه خودرو در توکیو حدود ده برابر سرقت سالیانه خودرو در تهران است اما احساس نگرانی از این وضعیت در توکیو بسیار کمتر از تهران است. که البته یکی از دلایل احساس امنیت در این خصوص مربوط به وجود نظام تأمین اجتماعی (تأمین سریع خسارت ناشی از سرقت توسط بیمه) به‌عنوان یکی از زمینه‌های احساس امنیت است. (بیات، ۱۳۸۸ ب)

احساس امنیت در بستر امنیت شکل می‌گیرد، درون امنیت ایجاد می‌شود و استقرار می‌یابد و ارتقا و افزایش آن منوط به ارتقای پایدار امنیت است. از نظر گرابوسکی، احساس ناامنی ممکن است اثرات درازمدتی بر کیفیت زندگی و بهروزی اقتصادی و اجتماعی داشته باشد (حسینی، ۱۳۸۶ به نقل از گرابوسکی، ۱۹۹۵). احساس ناامنی ممکن است ترسی در وجود فرد ایجاد کند که باعث محدود شدن فعالیت‌های اجتماعی وی گردد یا سبب اقداماتی (نظیر نگهداری سگ، حمل اسلحه و ...) گردد که در روابط اجتماعی وی تأثیرگذار باشد. بدین‌سان همان‌گونه که کلمنت و کلیمن ابراز داشته‌اند که این احساس در رفتارهای ضداجتماعی و انزواگرایانه متبلور شده و صفات خوب انسان مثل اعتماد متقابل، اجتماعی بودن، آمادگی کمک به دیگران، احساس تعلق به یک محله و اجتماع و رضایت از این تعلق را زایل می‌سازد (حسینی، ۱۳۸۶ به نقل از کلمنت و کلیمن، ۱۹۷۷).

با رجوع به ادبیات این حوزه، درمی‌یابیم که نویسندگان و محققان هنگام بحث از احساس امنیت، حداقل به سه موضوع اشاره دارند: موضوع اول، نارضایتی امنیتی است. یعنی ناخشنودی از میزان وقوع جرائم و پدیده‌های ناامنی. موضوع دوم نگرانی امنیتی است؛ یعنی دغدغه اعضای یک گروه اجتماعی نسبت به وقوع جرایم و ناامنی‌های خاص و تلقی نوعی تهدید، هرچند غیرمستقیم و دور. موضوع سوم ترس امنیتی است؛ این حالت زمانی رخ می‌دهد که شهروندان وقوع جرم یا پدیده ناامنی خاص را در مورد خود یا نزدیکانشان محتمل می‌دانند. البته شاید بتوان موضوع چهارمی را نیز تصور کرد و آن





حالتی است که شهروندان به دلیل شدت خطر، احتمال بالای وقوع و آسیب‌پذیری خود، ترس شدیدی نسبت به ناامنی احساس کرده و عملاً دچار اختلالات روانشناختی و اجتماعی بشوند. به هر حال این موضوعات را می‌توان درجات مختلفی از یک پیوستار احساس امنیت یا ناامنی دانست که شهروندان تحت تأثیر عوامل مختلف، دچار آن می‌شوند. احساس امنیت کامل و احساس وحشت از ناامنی دو سر این پیوستار هستند. البته دو پدیده اخیر، دو پدیده بسیار نادر تلقی می‌شوند (حسینی، ۱۳۸۶).

احساس امنیت کامل	احساس امنیت قابل قبول	نارضایتی امنیتی	نگرانی امنیتی	ترس امنیتی	احساس وحشت از ناامنی	

احساس ناامنی ممکن است بر اقتصاد نیز تأثیرگذار باشد: اجتناب از خریدهای شبانه، لزوم تعطیلی زودهنگام مغازه‌ها، تعیین ساعت و روز کاری برای برخی از مشاغل مثل طلافروشی‌ها و بدیهی است احساس امنیت یا ناامنی در نگرش مردم به مقامات و مسئولین مربوطه و تصمیم‌گیری برای انتخاب مجدد آن‌ها در یک نظام بروکراتیک تأثیرگذار است.

بیان مسئله، ضرورت و اهمیت: پس از آن که بوزان به تبیین و واضح کردن مفهوم امنیت پرداخت، ابعادی از امنیت نمایان و به پنج مقوله تقسیم شد: نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی. به هر حال مطالعات بعدی، ابعاد فرهنگی و سایبر را هم به این ابعاد اضافه کرده‌اند. علی‌الحال، ایجاد زمینه‌های لازم برای احساس امنیت در جمیع ابعاد از ضروریات و وظایف دولت‌ها و ارتقای این احساس از عوامل موفقیت در دولت‌ها محسوب می‌شود.

وقتی امنیت در چند بعد تعریف می‌شود، در مقوله احساس امنیت نیز باید این نکته مدنظر قرار گیرد. هر بعدی از امنیت در تعریف عینی نیازمند معادل آن در بعد ذهنی است. یعنی در تعریف احساس همه‌جانبه امنیت، تمام ابعاد تعریف‌شده امنیت، علاوه بر نمود عینی امنیت نیازمند نمود ذهنی هستند تا احساس امنیت در آن بعد شکل بگیرد. نوع نگرش به این دیدگاه نیز با نگرش به توسیع امنیت یکسان است. یعنی





توسیع امنیت منجر به توسیع مفهوم ذهنی و احساس امنیت نیز خواهد شد. از طرفی نوع ارتباط بین ابعاد مختلف امنیت، با ارتباط بین ابعاد مختلف احساس امنیت یکسان است.

آنچه مسلم است نهادهای امنیتی در کشور تمام هم و غم خود را برای برقراری امنیت به کار می گیرند. اما برای مسئولین و نهادهای امنیتی مهم است که افراد جامعه این امنیت را به خوبی احساس کنند و ناامنی را از ابعاد مختلف زندگی خود دور ببینند و البته این موضوع برای آحاد جامعه هم بسیار مهم است. آحاد جامعه نه با شاخص های امنیتی اعلام شده از سوی نهادهای امنیتی کاردارند و نه با آمار و اطلاعات اعلام شده از سوی این نهادها یا سایر مسئولین. آنچه آحاد مردم در جامعه می خواهند حس ایمنی است. یعنی خود را از انحاء مختلف تهدیدات امنیتی دور و جان، مال، محل زندگی، ناموس، هویت، فرهنگ و اعتقادات خود را از این نوع تهدیدات مصون ببینند.

کارگزاران جامعه اسلامی باید نسبت به تبلور چشمگیر آن در میان قشرهای مختلف مردم، همت گمارند و از هیچ کوششی برای ایجاد و تقویت احساس امنیت در مردم فروگذار نکنند. چراکه همه پیشرفت ها، نوآوری ها و خلاقیت ها، مزیت علمی و آرامش معنوی در گرو وجود احساس آرامش روانی و امنیت اجتماعی است. وجود توانمندی های لازم در نهادهای مختلفی مؤثر در احساس امنیت افراد در جامعه یعنی نیروهای نظامی و انتظامی، وزارت اطلاعات، بازرسی کل کشور، نهادهای دینی، احزاب سیاسی، نهادهای آموزشی و پژوهشی، شرکت های دولتی و خصوصی و ... منجر به افزایش احساس امنیت بین شهروندان خواهد شد.

در خصوص احساس امنیت نظریه ها و روش های متعددی معرفی شده است. برخی از این روش ها پیاده سازی شده اند، اما به دلیل ضعف های احتمالی موجود در برنامه ریزی ها، به نظر می رسد احساس امنیت بین شهروندان به حد مطلوب خود نرسیده و لازم است یا در برنامه ها و روش ها و یا در اجرا تجدیدنظریه ای شود. برای این کار شناخت نقاط ضعف نظریات و روش های فعلی الزامی است.

موضوعات مطرح شده فوق دلالی است که ما را مجاب می سازد به بررسی روش های توسعه و ارتقای احساس امنیت در جامعه بیندیشیم، نظریه های ارائه شده در خصوص





احساس امنیت را بررسی نماییم و با احصاء نقاط قوت و ضعف موجود در آن‌ها، به ارائه روش‌های کاربردی برای ارتقای احساس امنیت در جامعه بپردازیم.

۲. روش تحقیق

این تحقیق برای پاسخگویی به این سؤال اساسی انجام شده است که: «به چه روش‌هایی می‌توان احساس امنیت را در کشور ارتقا داد؟» در این راستا به این سؤالات نیز پاسخ داده خواهد شد: احساس امنیت همه‌جانبه چگونه تعریف می‌شود؟ احساس امنیت همه‌جانبه شامل چه ابعادی است؟ نیازمندی‌های احساس امنیت همه‌جانبه چیست؟ در پژوهش حاضر، محققین با بررسی اسناد کتابخانه‌ای اهتمام به جمع‌آوری مفاهیم و نظریات مرتبط با احساس امنیت همه‌جانبه نموده‌اند، مفهوم احساس امنیت در مبانی دینی را واکاوی کرده‌اند و سپس با استناد به آن به بررسی و نقد نظریات پرداخته‌اند. این بررسی محققین را به راه‌کارهایی برای ارتقای احساس امنیت همه‌جانبه رهنمون کرده است.

۳. مبانی نظری

۳-۱. مفهوم احساس امنیت

احساس امنیت پدیده‌ای روانشناختی و دارای ابعاد گوناگون است. این احساس ناشی از تجربه‌های عینی و اکتسابی افراد از شرایط و اوضاع پیرامونی است، لذا افراد به‌صورت‌های گوناگون آن را تجربه می‌کنند. از دیدگاه جامعه‌شناسی، احساس امنیت درواقع یک تولید اجتماعی است یعنی همه نهاد‌های اجتماعی در شکل‌گیری آن نقش ایفا می‌کنند. با این دید طبیعتاً همه ارکان جامعه از جمله مردم، حاکمیت، پلیس و ... در تولید و ارتقای سطح آن نقش کلیدی و لاینفک دارند.

احساس امنیت، یکی از مفاهیم مرتبط با امنیت است که حاصل اعتماد به تعاریفی از زندگی است که هویت و هستی انسان بر مبنای آن سامان می‌گیرد و این احساس در خانواده پی‌ریزی می‌شود و دارای ویژگی‌های زیر است:

(الف) ذهنی است و مهم‌تر از جنبه عینی امنیت است.

(ب) به‌خودی‌خود قابل تعریف نیست و بر مبنای بودن‌بود خطر تعریف می‌شود.





ج) یک فرآیند است، در طول زمان جریان دارد و در هر لحظه بر اساس برآورد خطر تغییر می‌پذیرد.

د) ضمن اطمینان به شناخت‌ها، هستی‌شناختی فرد را سامان می‌بخشد و پایه و بنیان وجود آدمی را درمی‌نوردد (گیدنز، ۱۳۷۷: ۷۰).

احساس امنیت با طرح مسائلی چون جامعه خطرپذیر، امنیت وجودی و امنیت ذهنی و رفاه اجتماعی، مطالعات و پژوهش‌های متعددی را به خود اختصاص داد که در آن با سنجش موقعیت‌های خطرزا، به اندازه‌گیری و سنجش احساس امنیت پرداخته‌اند. بر این اساس ادبیات نظری احساس امنیت فراتر از ادبیات نظری خود امنیت توسعه و گسترش پیدا کرد. با این توسعه ادبیات و مطالعات انجام‌شده، دیگر احساس امنیت به‌عنوان آن روی سکه امنیت قلمداد نمی‌شود بلکه موضوعی است که در فضای اجتماعی جامعه با منطق خاصی تولید، حفظ و بازتولید می‌شود و بر این مبنای خود استقلال موضوعی یافت. (بیات، ۱۳۸۸: ۹)

بر اساس یک فرض روانشناختی، انسان انتظار برخورداری از امنیت را دارد نه ناامنی. انسان به‌صورت طبیعی، متوجه وجود امنیت و اهمیت آن نیست و در حالت عادی مثل هوای اطراف آدمی برای انسان یا آب دریا برای ماهی، آن را امری بدیهی تلقی می‌کند.

برخی از مکاتب روانشناسی و جامعه‌شناسی، احساس امنیت را از راه عکس آن یعنی احساس ناامنی تعریف می‌کنند. احساس ناامنی دارای حیطه‌های مختلفی است و بر حسب شرایط اجتماعی فرد به گونه‌های متفاوت نظیر ناامنی شغلی، جانی، قضایی و اقتصادی ظهور می‌کند (بیات، ۱۳۸۸: ۱۵). انسان علی‌القاعده امنیت را حق خود می‌داند و در مواجهه با ناامنی در مورد آن غلو می‌کند و بنابراین میزان وقوع ناامنی را بیشتر و بزرگ‌تر از آنچه در عالم واقع روی می‌دهد، برآورد می‌کنند. بر این اساس می‌توان گفت که احساس ناامنی جزئی جدایی‌ناپذیر از افکار عمومی و نگرش جامعه نسبت به امنیت بوده است و وجود آن تا حدودی طبیعی و غیرقابل حذف قلمداد می‌شود. در نتیجه سیاست‌گذاران و مسئولین امنیتی نباید به اصل وجود احساس ناامنی در جامعه نگران شده و آن را تحمل‌ناپذیر بشمارند. احساس ناامنی در مفهومی هم‌تراز با احساس امنیت ولی در سویی مخالف آن، بیانگر فاصله بین امنیت مورد انتظار (انتظار امنیتی) و امنیت موجود (واقعیت امنیتی) است.





۲-۳. مفهوم امنیت همه‌جانبه

ابعاد و وجوه امنیت در مکاتب امنیتی مختلف، متفاوت تعریف شده است. پس از مطالعات امنیتی سنتی که امنیت را صرفاً در بعد نظامی می‌داند، مکاتب دیگر ابعادی همچون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی، و سایبر را به بعد فوق اضافه کرده‌اند. (بوزان، ویور، ویلد؛ ۱۳۸۶: ۲۵۱-۲۵۰). پس هنگامی که سخن از امنیت همه‌جانبه به میان می‌آید، منظور تأمین امنیت در همه ابعاد آن باهمه تعاریف ارائه‌شده در مکاتب مختلف است.

امنیت در جمهوری اسلامی ایران مفهومی همه‌جانبه دارد و تمامی عرصه‌ها و ساخت‌های زندگی بشری را در برمی‌گیرد. دلیل این امر این است که مرکز ثقل مفهوم امنیت در جمهوری اسلامی ایران، مکتب اسلام است و مطابق این مکتب، اسلام در تمام شئون فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی، نظارت دارد. در مکتب اسلام کلیه نظامات موصوف مانند ظرفی مرتبط به هم دیده می‌شوند که کلیت آن با مثابه موجودی یکپارچه نگریسته می‌شود به نحوی که اختلال در یکی به منزله اختلال در کل است. پس امنیت در جمهوری اسلامی ایران تک‌بعدی نیست بلکه همه‌جانبه می‌باشد (ره‌پیک و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۷۹).

پس هنگامی که سخن از امنیت همه‌جانبه به میان می‌آید، منظور تأمین امنیت در همه ابعاد آن باهمه تعاریف ارائه‌شده در مکاتب مختلف است. امنیت چندبعدی، تهدیدات امنیتی چندبعدی را به همراه دارد لذا تأمین امنیت چندبعدی هم لازم دارد؛ که به آن امنیت همه‌جانبه اطلاق می‌شود. کشورها در تأمین همه‌جانبه امنیت به دفاع همه‌جانبه نیز فکر می‌کنند. در تعریف این واژه نیز دفاع در ابعاد مختلف را مدنظر قرار داده‌اند و در این راستا نیز منظور از همه‌جانبه بودن دفاع را در ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... در کنار بعد نظامی دانسته‌اند (صبایان، ۱۳۹۲).

۳-۳. متغیرهای اجتماعی مرتبط با احساس امنیت

بیات با تحلیل پژوهش‌های به‌عمل‌آمده در خصوص موضوع فوق، این متغیرها را شامل موارد زیر می‌داند:

سرمایه اجتماعی، اعتماد، مشارکت، هویت، رسانه‌های جمعی، تأمین و رفاه اجتماعی

و فضای شهری (بیات، ۱۳۸۸ الف).

سرمایه اجتماعی: در تعاریف اولیه ارائه شده توسط هنی فن، سرمایه اجتماعی شامل دارایی‌هایی است که افراد در زندگی روزمره خود دارند مثل: حسن تفاهم، رفاقت و دوستی، احساس همدردی و روابط اجتماعی بین افراد و خانواده‌هایی که یک واحد اجتماعی را تشکیل می‌دهند. و کلمن چهار وجه عمده را برای سرمایه اجتماعی مطرح می‌کند که عبارتند از: تعهدات و انتظارات - ظرفیت بالقوه اطلاعات - هنجارها و ضمانت اجرایی مؤثر- روابط اقتدار.

اعتماد: عبارت است از انتظار برآورده شدن نیازهای شخصی و این که می‌شود روی دنیا یا منابع خارجی حساب کرد (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۱۰). تقسیم‌بندی‌های متفاوتی از اعتماد صورت گرفته است که از جمله آن می‌توان به اعتماد بنیادی، اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته اشاره کرد.

مشارکت اجتماعی: مشارکت در عمل دارای سطوحی است. به عقیده ارنشتاین به‌طور کلی سه سطح از مشارکت را در نظر گرفته است: عدم مشارکت - مشارکت غیرمستقیم - مشارکت مستقیم.

احساس تشخص (هویت): به تعبیر گیدنز «تشخص همان مفهوم خود است که شخص آن را به‌عنوان بازتابی از زندگی‌نامه‌اش می‌پذیرد. تشخص تداوم فرد در زمان و مکان است» (گیدنز، ۱۳۷۷: ۵۶). از نظر گیدنز هرچه جوامع به سمت تجدد و توسعه‌یافتگی می‌روند و اجتماعات انسانی بزرگ‌تر و با روابط پیچیده‌تر حرکت می‌کنند و نظام‌های مجرد در آن‌ها شکل می‌گیرد، «خود» و «هویت» افراد محدودتر می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۷: ۵۸).

رسانه‌های جمعی: رسانه در جریان اطلاعات با حذف فاصله بین محل وقوع اتفاق با طیف وسیعی از مخاطبین، جامعه مخاطب خود را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بدین‌سان واقعیات اجتماعی را در فضای تجارب غیرمستقیم افراد گسترش می‌دهند و براین اساس احساس امنیت یا ناامنی گسترش می‌یابد (بیات، ۱۳۸۸: ۵۳-۵۲).

تأمین و رفاه اجتماعی: رفاه اجتماعی دامنه وسیعی از فعالیت‌ها و برنامه‌هایی است که تحت نظارت دولت و با کمک دولت برای بهزیستی افراد جامعه انجام می‌شود. احساس امنیت با ابتدا بر رفاه اجتماعی با سه شاخص زیر قابل تعریف است:





الف) آرامش خاطر نسبت به تداوم شرایط رضایت‌بخش موجود؛

ب) اطمینان خاطر نسبت به آینده؛

ج) فقدان تهدیدها.

فضای شهری: شهرها به علت بافت خاص خود هم فرصت هستند و هم تهدید. برخی از فضاهای شهری هستند که زمینه را برای برهم خوردن نظم و امنیت فراهم می‌کنند. بنابراین شناخت این دسته از فضاها برای کنترل تأثیر آن‌ها بر کاهش امنیت و برهم خوردن نظم شهری از نکات بسیار مهم در مدیریت شهری است. نیومن در کتاب مردم و طراحی در شهر پرخشونت سه فاکتور را در افزایش جرم در محله‌های مسکونی در نظر می‌گیرد: الف) بیگانگی: مردم همسایگان خود را نمی‌شناسند؛ ب) فقدان نظارت: مکان‌های وقوع جرم ارتکاب جرم را به راحتی بدون آن که مجرم انگاشته شوند، ممکن می‌سازد. ج) در دسترس بودن راه فرار: امکان ناپدید شدن مجرم از صحنه، جرم را به سرعت ممکن می‌سازد (مدیری، ۱۳۸۵).

۳-۴. احساس امنیت در اسلام و نظام اسلامی

۳-۴-۱. احساس امنیت در قرآن کریم

امنیت از موضوعاتی است که در آیات قرآن کریم در زمره مقولات بنیادین حیات انسانی مطرح شده است؛ یعنی کمتر آیه‌ای است که ملاحظه‌ای امنیتی در شرح و تفسیر آن وجود نداشته باشد. باین وجود، امنیت در قرآن، از جمله موضوعاتی تلقی شده که به صورت مستقل از آن سخن به میان نیامده بلکه در ذیل مباحث دیگر مطرح شده است؛ زیرا در آیات قرآن، اشارات مختصری به واژه «امن» و مشتقات آن دیده می‌شود. اما امنیت، در فلسفه وجودی اسلام ریشه داشته و نمی‌توان به سادگی از آن عبور کرد (افتخاری، ۱۳۸۵).

در رویکرد اسلامی و قرآن کریم می‌توان به چهار معنا از امنیت دست یافت:

الف) در رویکرد نخست، مفهوم امنیت در قرآن به معنای «آسایش» و «اطمینان» است که خداوند بالاترین سطح آن را برای حضرت آدم و حوا در آغاز آفرینش در بهشت فراهم کرد و به آن‌ها فرمود، بدون ترس و هراس از خوراکی‌های بهشت بخورید و از نوشیدنی‌های آن بنوشید:





وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ. (بقره، آیه ۳۵)

«و گفتیم: ای آدم! تو با همسرت در بهشت سکونت کن؛ و از (نعمت های) آن، از هر جا می خواهید، در کمال فراوانی بخورید؛ (ولی) نزدیک این درخت نشوید؛ که از ستمکاران خواهید شد.»

ب) در رویکرد دوم از مفهوم امنیت در قرآن، زندگانی بدون ترس و اندوه برای کسانی است که در این دنیا (پس از خروج آدم و حوا از بهشت) به خداوند سبحان ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند، وعده داده شده است:

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (بقره، آیه ۶۲).

«کسانی که (به پیامبر اسلام) ایمان آوردند، و کسانی که به آیین یهود گرویدند و نصاری و صابئان [=پیروان یحیی] هر کدام که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده، و کاری شایسته انجام دهند، پاداششان نزد پروردگارشان مسلم است؛ و نه ترسی بر آن هاست و نه اندوهگین می شوند.»

در آیه دیگر در قرآن در این مورد آمده است:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ. (نور، آیه ۵۵)

«خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده داده است که به یقین، خلافت روی زمین را به آنان خواهد داد، همان گونه که به پیشینیان آن ها خلافت بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، بر ایشان پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می کند، (بگو نه ای) که فقط مرا می پرستند و چیزی را همتای من قرار نخواهند داد. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آن ها همان فاسقانند.»

پ) در رویکرد سوم، مفهوم امنیت در قرآن، نشان دهنده شهر امن است که برای نمونه و الگو بیان گردیده؛ شهری که در آن امنیت و آسایش است و روزی گوارای اهل





آن از همه جا می‌رسد:

وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ (نحل، آیه ۱۱۲)

«خداوند (برای آنان که کفران نعمت می‌کنند)، مثلی زده است: سرزمینی که امن و آرام بود؛ و همواره روزیش از هر جا می‌رسید؛ اما نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند؛ و خداوند به خاطر اعمالی که انجام می‌دادند، لباس گرسنگی و ترس را بر آن‌ها پوشانید.»
(ت) در رویکرد چهارم، مفهوم امنیت در قرآن، به خانه خدا به عنوان حرم امن اشاره شده است؛ این امر، مبتنی بر این آیه قرآن است:

وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهْدَىٰ مَعَكَ نَتَّخِطْفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا يُجْبَىٰ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِّزْقًا مِّنْ لَّدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (قصص، آیه ۵۷)

«آن‌ها گفتند: «ما اگر هدایت را همراه تو پذیرا شویم، ما را از سرزمینمان می‌ربایند.» آیا ما حرم امنی در اختیار آن‌ها قرار ندادیم که ثمرات هر چیزی (از هر شهر و دیاری) به سوی آن آورده می‌شود که رزقی است از جانب ما؟! ولی بیشتر آنان نمی‌دانند.»

ورای این تعاریف احساس امنیت وجود دارد. آیه ۴ سوره فتح احساس امنیت را از ویژگی‌های مؤمنین می‌داند: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ: اوست خدایی که آرامش و وقار را بر دل‌های مؤمنان آورد.» مذاقه در مؤلفه‌های امنیت‌ساز در قرآن کریم نشان می‌دهد که قرآن به هردو بعد عینی و ذهنی امنیت توجه دارد:

الف) ایمان به ذات اقدس باری تعالی و یاد خدای متعال به عنوان عامل اطمینان‌بخش و آرامش‌دهنده قلوب معرفی می‌شود: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ» که این به بعد ذهنی امنیت اشاره دارد که متداعی احساس امنیت است.

ب) امنیت فردی باعث ایجاد جامعه سالمی می‌شود که در تعبیر اسلامی از آن به عنوان امت یاد می‌شود. و تحت ولایت ولی جامع‌الشرايط رهبری می‌شود.

ج) سعادت انسان: مقوله سعادت، ارزش و اهمیت آن، بنیاد مباحث «امنیت اجتماعی شده» را از منظر اسلامی تشکیل می‌دهد. بر این اساس «کرامت انسانی»، «حقوق انسانی» و تأمین «نیازهای دنیوی» به صورت هم‌زمان در دستور کار دولت اسلامی قرار





می‌گیرد و این عالی‌ترین سطح از «امنیت اجتماعی شده» است که امروزه می‌توان بر آن تأکید داشت (افتخاری، ۱۳۸۵).

امنیت در زیربنایی‌ترین سطح، احساس آرامشی است که فرد به سبب باور قلبی به خدا و به میزان ایمان و یقین خود به آن دست می‌یابد و لذا امری درونی و باطنی است که افراد علی‌رغم تحمل تمام سختی‌ها، ظلم‌ها، تعدی‌ها و بی‌عدالتی‌ها، ارباب و ارباب به دلیل ایمان به خدا و عمل به تکلیف الهی به آن دست می‌یابند و آن را احساس می‌کنند. در شرایط ناامنی، یاد کسی که می‌تواند یار و یاور باشد، امیدوارکننده است و باعث می‌شود حیات انسان از جانب خودش متوقف نگردد (غریاق زندی، ۱۳۸۹: ۳۰). کسی که به خدا ایمان دارد هرگز به بن‌بست نمی‌رسد، ضامن امنیت او خداست و وعده الهی تخلف‌ناپذیر است. خلاصه آن که هرکس ترس از خدا دارد از خوف غیر او رها می‌شود و احساس امنیت می‌کند. اما آیا معنای این گفتار این است که از منظر اسلام اگر جان، مال، ناموس، آبرو، هویت، کرامت، حریت، آرامش و آسایش انسان مؤمن توسط متجاوز مورد تعدی قرار گیرد به واسطه ایمان به خدا دارای امنیت است؟ بدیهی است که پاسخ منفی است. رویکرد اسلام به امنیت رویکردی همه‌جانبه است و امنیت فرد از همه جهات باید تأمین شود.

۳-۴-۲. احساس امنیت در اندیشه‌های مقام معظم رهبری

امنیت در گفتمان مقام معظم رهبری بر مبانی قرآنی و روایات منقول از معصومین (علیهم‌السلام) مبتنی است. همچنین، نوع تعریف و برداشتی که از مفاهیم و موضوعات کلیدی مرتبط با «امنیت» و «تهدید» صورت گرفته، تمایزآفرین بوده و می‌تواند به عنوان ملاک مرزبندی و تمایز بین مکتب امنیتی اسلام و دیگر مکاتب امنیتی در نظر گرفته شود. در گفتمان مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، امنیت نیاز فطری انسان بوده و جزو خواسته‌های حیاتی و اساسی بشر محسوب گردیده است. در نگاه ایجابی، امنیت برای ادامه حیات و استمرار بقاء یک ملت، یک نیاز اصلی و اساسی است. در نگاه سلبی نیز ناامنی موجب متوقف شدن تمام فعالیت‌های مثبت و سازنده یک ملت می‌گردد. ایشان در این مورد فرموده‌اند:

«امنیت، یکی از اساسی‌ترین و اصلی‌ترین نیازهای یک ملت و یک کشور است.





مهم‌ترین مشکل برای یک کشور وقتی به وجود می‌آید که در محیط کار، در محیط زندگی، در محیط تحصیل و در فضای عمومی جامعه، مردم احساس امنیت نکنند. اینجاست که مغزهای فعال، دست‌های توانا و سرانگشتان ماهر، هیچ‌یک نخواهند توانست مسئولیت مهمی را که هر کدام بر دوش دارند، به انجام برسانند. در فضای امنیت است که هم تلاش علمی، هم تلاش اقتصادی، هم روحیه و نشاط و هم همه فعالیت‌های یک کشور می‌تواند به‌درستی برنامه‌ریزی شود و با دقت دنبال گردد و به نتایج خود برسد» (بیانات در مراسم فارغ‌التحصیلی جمعی از پرسنل نیروی انتظامی، سال ۱۳۷۹).

«...معنای امنیت اجتماعی این است که مردم در محیط کار و زندگی خود، احساس خوف و تهدید و ناامنی نکنند. این مسئله، خیلی مهم است» (بیانات در دیدار جمعی از اعضای نیروی انتظامی و...، سال ۱۳۷۳).

«باید امنیت همه‌جانبه مورد توجه باشد؛ امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی، امنیت فرهنگی، امنیت آبرویی. مردم در نظام جمهوری اسلامی باید احساس کنند که جان و مال و فرزندان و ناموس و فکر و عقیده و سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی‌شان برخوردار از امنیت است. بهداشت مردم، عزت و هویت ملی مردم، ارتقای علمی کشور، کارآمدی دستگاه اداری و فساد زدایی از آن، در قانون اساسی وجود دارد» (بیانات در اجتماع زائران مرقد مطهر امام خمینی (ره) سال ۱۳۸۰).

«مسئله امنیت قضائی هم که در برخورد و مراجعه و مواجهه با دستگاه قضا، مردم احساس امنیت کنند، بسیار مهم است. این نگاه بسیار دقیق و حساس و جست‌وجوگر را در درون قوه قضائیه می‌طلبید... اگر امنیت قضائی به وجود آمد، امنیت سیاسی، امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی، امنیت اخلاقی و امنیت فرهنگی هم به وجود خواهد آمد. ملاحظه می‌کنید امروز دشمنان، امنیت اجتماعی و مدنی ما را هدف قرار داده‌اند» (بیانات در دیدار مسئولان، قضات و کارکنان قوه قضائیه، سال ۱۳۸۲).

«یکی از چیزهایی که برای کشور ما حقیقتاً مهم است این است که مردم احساس امنیت سیاسی و روانی بکنند؛ فضای روانی جامعه دچار التهاب نباشد. سعی می‌کنند التهاب‌آفرینی کنند؛ این هست. این، جزو سیاست‌های مخالفان نظام جمهوری اسلامی است» (خطبه‌های نماز جمعه تهران، سال ۱۳۸۷).



بررسی و مذاقه در گفتمان مقام معظم رهبری نشان از حساسیت ایشان در احساس امنیت همه‌جانبه دارد. در فرمایشاتی که در فوق آمد، علاوه بر عبارت امنیت همه‌جانبه، به این موارد اشاره شده است: امنیت عمومی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، آبرویی، قضایی، سیاسی و روانی. نمونه‌های مرتبط با این دسته‌بندی‌ها هم به این شکل در فرمایشات ایشان ذکر شده است: جان، مال، فرزندان، ناموس، فکر، عقیده، سرمایه‌گذاری، فعالیت اقتصادی، بهداشت، عزت، هویت ملی مردم، ارتقای علمی کشور، کارآمدی دستگاه اداری و فساد زدایی از آن.

۳-۵. تبیین نظریه‌ها

در خصوص احساس امنیت نظریات مختلفی وجود دارد که لازم است ضمن نگرش با رویکردهای مختلف به این نظریات، آن‌ها را تبیین نمود.

۳-۵-۱. رویکردهای مطالعات امنیتی به احساس امنیت

الف) رویکرد سنتی: رویکرد سنتی در مطالعات امنیتی متعلق به اندیشمندانی چون افلاطون، ارسطو و هابز است.

در دیدگاه افلاطونی، جامعه زمانی دارای امنیت است که حاکمان آن از بین طبقات برگزیدگان انتخاب شوند. رفاه عمومی و تناسب قوای درون خودی و درون جامعه مبنای مناسبات اجتماعی قرار می‌گیرد و امنیت عینی و ذهنی (احساس امنیت) در جامعه پایدار می‌گردد. و جامعه آرمانی جامعه‌ای است که در آن همه مردم از امنیت اجتماعی برخوردار باشند.

در دیدگاه ارسطویی، احساس امنیت از منظر طبقه حاکم با احساس امنیت از منظر طبقه پایین باهم تفاوت دارد. و احساس امنیت، مبنای پایداری نظام اجتماعی است. اگر طبقه حاکم در عین برابری سیاسی احساس کند که با سایر افراد برابر است، احساس مظلومیت کرده و زمینه برای شورش و برهم خوردن امنیت جامعه فراهم می‌شود. از طرفی، اگر طبقات پایین احساس نابرابری با طبقه حاکم کنند، زمینه برای شورش آنان و ناامنی فراهم می‌شود.

هابز معتقد است که مردم دولت‌ها را ایجاد کردند تا از آن‌ها در مقابل تهاجم





خارجیان و نیز صدمه به یکدیگر دفاع کنند و در نتیجه چنان امنیتی به وجود بیاورند که بتوانند با کوشش خود و بهره‌گیری از امکانات زمین رشد و رضایتمندانه زندگی کنند. در دیدگاه هابزی، افراد با تمسک به قرارداد اجتماعی، زمینه توافق همگانی توسط حکومت را فراهم آورده و امنیت و احساس آن‌را در جامعه برقرار می‌سازند.

ب) رویکرد اجتماعی یا مدرن: در رویکرد اجتماعی نگاه به امنیت با توجه به زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی و فرهنگی تعریف شده و علاوه بر فراغت از تهدید، تأمین شرایط مساعد برای حفظ هویت اجتماعی و سرمایه‌های اجتماعی جامعه مورد تأکید جدی قرار گرفت. این رویکرد با تغییر جهت‌گیری امنیت از تمرکز صرف بر دولت به عموم مردم و بهره‌گیری از ظرفیت و توان جامعه، شرایطی را فراهم می‌کند که در استراتژی‌های امنیتی، زمینه و بستر اجتماعی به عنوان پشتوانه امنیت ملی نیز قلمداد شود. این نوع نگاه به امنیت با ورود تعبیری همچون امنیت اجتماعی شده و امنیت جامعه‌محور در مطالعات امنیتی، فصل جدیدی از مطالعات را گشود. افتخاری عمده‌ترین ارکان رویکرد اجتماعی به امنیت را مربوط به پیروان ایده امنیت اجتماعی شده به این صورت بیان کرده است: ا (ف) امنیت تولیدی اجتماعی است؛ ب) رضایتمندی مولد امنیت است؛ ج) امنیت فرآیندی درون‌زاد است؛ د) امنیت، ماهیتی تطبیقی دارد تا انطباقی؛ ه) امنیت دارای ساخت دولتی است (افتخاری، ۱۳۸۲). این رویکرد مدرن به امنیت حاصل تلاش اندیشمندانی چون مولار، ویور، بوزان و میتار است. مولار امنیت را در سه شکل تعریف می‌کند: ملی- اجتماعی و انسانی، که هدف مرجع در آن‌ها به ترتیب عبارتند از: دولت، گروه‌های اجتماعی و فرد (نویدنیا، ۱۳۸۲). ویور، امنیت اجتماعی را توانایی جامعه برای حفظ ویژگی‌های اساسی‌اش تحت شرایط تغییر و تهدیدات واقعی و محتمل تعریف می‌کند. ویور بر ارتباط نزدیک میان هویت، جامعه و امنیت تأکید دارد. بوزان، امنیت اجتماعی را با قابلیت‌ها و توانمندی‌های یک جامعه در راستای حفاظت از الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی شاخص‌سازی کرد و در نهایت میتار، امنیت اجتماعی را با نظریهٔ آنارش اجتماعی بیلی ارزیابی می‌کند. در تئوری میتار، نظام اجتماعی به جای آن که با معیار تعادل و نظم قابل تحلیل باشد، از طریق آنتروپی تحلیل می‌شود: با به حداقل رساندن آنتروپی می‌توان بر سطح امنیت اجتماعی تأثیر گذاشت (نویدنیا، ۱۳۸۲).



۳-۵-۲. رویکرد جامعه‌شناختی به احساس امنیت

ژاین رویکرد تابع مکاتب کارکردگرایی، کنش متقابل نمادی، روش‌شناسی مردمی و دیدگاه انتقادی است. نظریه‌پردازان این رویکرد اندیشمندانی چون دورکیم، ماکس وبر، پارسونز، هارولد گارفینگل، یورگن هابرماس و آنتونی گیدنز هستند.

الف) مکتب کارکردگرایی: جامعه در نظر کارکردگرایی از نوعی تمایل کلی به ثبات یا تعادل برخوردار است، بنابراین دگرگونی اجتماعی احتمالاً مخرب خواهد بود مگر این‌که به‌طور نسبتاً آرام صورت گیرد، زیرا دگرگونی در یک جزء از نظام، دگرگونی در سایر اجزا را به دنبال خواهد داشت (بیات ۱۳۸۸ ب: ۸۹ به نقل از رابرتسون، ۱۳۷۲: ۳۶).

در این مکتب، امنیت و احساس امنیت باید در کارکرد اجزای نظام اجتماعی و هماهنگی و انسجام آن‌ها باهمدیگر و با کل جامعه تولید، حفظ و بازتولید شود، از این‌رو در این دیدگاه فرض بر این است که جامعه به‌واسطه هماهنگی عناصر و اجزایش ارزش‌های مشترک تولید کرده و از طریق جامعه‌پذیری آن‌ها امنیت لازم را کسب می‌نماید.

ب) مکتب کنش متقابل نمادین: ایده مرکزی نظریه کارکردگرایی آن است که انسان یک عضو اجتماعی شده است، اما درواقع این مفهوم اشاره دارد به یک تصور اساساً بیش‌ازحد اجتماعی شده از انسان، تا آن‌جا که قدرت فرد را در تحقق حقوق فردی خودش ناچیز می‌شمارد. جرج هربرت نظریه‌پرداز این مکتب اعتقاد دارد که فرد مخلوقی اجتماعی شده است که صرفاً وارد عرصه روابط اجتماعی با دیگران می‌شود و جامعه را در «دیگران تعمیم‌یافته» درونی می‌سازد. وی تأکید دارد که فرد صرفاً در هنجارهای رفتاری که درونی کرده است، خلاصه نمی‌شود. انسان همیشه ممکن است به‌طور برانگیخته و خلاق به شیوه‌ای که از جامعه نیاموخته است، عمل کند. احساس امنیت افراد در جامعه از یک‌سو بر فرآیند شکل‌گیری خود و هویت افراد و از سوی دیگر بر تفسیر وضعیت جامعه و جهان زیست اجتماعی با بهره‌گیری از نمادها درکنش متقابل افراد شکل می‌گیرد.

جورج ریتز اصول اساسی کنش متقابل نمادی را از زبان افرادی چون بلومر و ملترز به این صورت خلاصه کرده است:





(الف) افراد انسانی برخلاف حیوانات پست‌تر دارای ظرفیت تفکر هستند.
 (ب) ظرفیت تفکر انسان به‌واسطه کنش متقابل اجتماعی شکل گرفته است.
 (ج) درکنش متقابل اجتماعی، انسان‌ها درباره نمادها و معناها می‌آموزند.
 (د) معانی و نمادها انسان‌ها را قادر خواهد ساخت که به‌طور جداگانه کنش و واکنش کنند.
 (ه) انسان‌ها قادرند معانی و نمادها را توصیف یا جایگزین کنند و کنش و واکنش خود را بر اساس تفسیر موقعیت‌ها انجام دهند.
 (و) انسان‌ها قادرند این توصیف و جایگزینی را از طریق توانایی کنش متقابل با خویشان انجام دهند تا کنش‌ها را موردبررسی قرار داده و امتیازات و معایب آن‌ها را ترک کنند و سپس از بین آن‌ها انتخاب نمایند.
 (ز) الگوهای درهم بافته شده کنش و کنش متقابل، گروه‌ها و جوامع را می‌سازند (ریترز، ۱۳۷۳: ۳۳۱).

(ج) **مکتب روش‌شناسی مردمی:** روش‌شناسی مردمی با این نظر که رفتار صرفاً از طریق مقررات درونی شده انتظام می‌یابد، مخالف است. اعتقاد روش‌شناسان مردمی بر این است که نظم اجتماعی و ریشه و علل آن را نه در قوانین و نظام‌های کلی حاکم بر جامعه بلکه در کنش‌های عادی و روزمره مردم و در تصویری که از آن دارند باید جستجو کرد. پس احساس ناامنی درواقع اختلال در فرآیند و جریان فهم و تفسیر مشترک افراد در حوزه قواعد مشترک ایجاد می‌شود و بر این اساس غلبه بر احساس ناامنی که در رابطه متقابل میان افراد جامعه پیش می‌آید به بهره‌گیری از تاکتیک «اصول غیر» امکان‌پذیر است.

(د) نظریات اندیشمندان حوزه جامعه‌شناسی احساس امنیت

دورکیم: به‌نظر دورکیم عنصر اصلی تداوم اجتماعی، نظم اخلاقی است و این نظم زمانی مختل می‌شود که جامعه به وضعیت آنومی دچار می‌شود. آنومی می‌تواند نظم و امنیت جامعه را برهم زده و احساس ناامنی بر افراد تحمیل کند.

ماکس وبر: آرای ماکس وبر تکمیل‌کننده نظریات دورکیم است و به اهمیت نهادهای مذهبی در جامعه تأکید دارد. وبر با اظهار ناخوشایندی از دنیای امروزی اعتقاد دارد که دنیای مدرن به قفس آهنینی برای افرادی تبدیل‌شده که راه گریزی برای آن نیست.





امنیت و احساس امنیت برابر نظر وبر با محوریت جامعه و مذهب در بستر جاری و نهادینه شدن ارزش‌ها نظم اجتماعی به‌وجود می‌آید که تأمین‌کننده احساس امنیت است.

پارسونز: به اعتقاد پارسونز ما در جامعه با مسئله‌ای به‌نام انتقال ارزش‌های اساسی به افراد روبه‌رو هستیم و این ارزش‌هاست که کیفیت عمل افراد را تعیین می‌کند و در بقای نظم سهیم است. به نظر او در هر جامعه، مجموعه قواعدی وجود دارد که آنچه را که هر فرد بایستی انجام دهد، تعیین می‌کند. به این مجموعه قواعد، هنجار می‌گویند. اصول بنیادین حاکم بر نظریه پارسونز با رویکرد جامعه‌محور، هنجارها و قواعد را در بستر جامعه به‌نحوی که در آن وفاق ملی صورت می‌گیرد، در حال انتقال می‌داند و احساس امنیت را محصول رعایت این نوع انتقال می‌داند.

آنتونی گیدنز: گیدنز امنیت وجودی را این‌گونه توصیف می‌کند: زمانی که فرد می‌داند چگونه به‌کار خود ادامه دهد، بدون آن که وقفه و مزاحمتی برای او به‌وجود آید، حالتی ذهنی و روانی در وی بروز می‌کند که این حالت همان امنیت وجودی (احساس امنیت) است. به اعتقاد گیدنز، مباحثی چون روابط اجتماعی، خطر کردن و مخاطره، اضطراب وجودی، نظام‌های مجرد و اعتماد بنیادین متغیرهایی هستند که امنیت و احساس امنیت را با تبیین آن‌ها می‌توان توضیح داد.

فیتز پاتریک (جامعه خطرپذیر): نظریات پاتریک با توجه به مسئله رفاه اجتماعی با رویکرد جامعه خطرپذیر قابل تبیین است. پارامترهای تأثیرگذار در نظریه پاتریک در احساس امنیت یا ناامنی عبارتند از:

الف) شادکامی به معنای رضایت عمومی و احساس خرسندی از زندگی اجتماعی. این امیدواری به آینده و رضایت از حال زمینه‌های احساس ناامنی را کاهش می‌دهد.

ب) تأمین، به فرآیندی اشاره دارد که در آن نیازهای زندگی اجتماعی شامل درآمد، اشتغال و مسکن برای افراد فراهم شود تا در سایه آن افراد احساس امنیت و آرامش از زندگی داشته باشند.

ج) ترجیحات اولویت‌هایی است که از میان گزینه‌های مختلف شاخص‌های رفاه و تأمین اجتماعی، افراد مایل هستند انتخاب کنند. میزان رضایت خاص و احساس امنیت افراد مختلف بر اساس میزان برآورده شدن ترجیحات افزایش یا کاهش پیدا می‌کند.





د) نیازها برابر نظر مازلو دارای سلسله‌مراتبی هستند که تحلیل نقش و جایگاه هریک از آن‌ها در احساس امنیت، مبتنی بر تحلیل نیازهای اساسی است. برآورده نشدن این نیازها، با بقا و شکوفایی حیات انسان‌ها سروکار دارد و به‌واسطه درگیر کردن ذهن افراد، با احساس امنیت ارتباط مستقیم پیدا می‌کند.

ه) استحقاق نیز از یک منظر نوعی ارزیابی فرد از موقعیت خود در میزان حق استفاده از رفاه و خدمات اجتماعی است و از این جهت با احساس امنیت ارتباط دارد. (و) مقایسه‌ها نسبی است به‌نحوی که فردی با احساس رفاه اجتماعی کم، ممکن است تا حدی احساس رضایت داشته باشد اما فردی با دریافت امکانات رفاهی کلان اجتماعی، رضایتی در خود احساس نکند.

پی‌یر بوردیو: تعبیر بوردیو از سرمایه اجتماعی، پیوندهای بادوامی است که در جامعه مدرن امروزی فقط برای طبقات بالا امکان تملک آن فراهم می‌گردد و این دارایی فضایی را برای فرد فراهم می‌کند که مکان افراد را در سلسله‌مراتب اجتماعی مشخص می‌نماید. از نظر بوردیو عدم تقناع فرد در دستیابی به ارزش‌ها و درک تولید نابرابری اجتماعی منجر به ایجاد احساس ناامنی می‌شود.

۳-۵. نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی در احساس امنیت

نظریه‌های روان‌شناسی در تبیین امنیت و به‌ویژه احساس امنیت به‌جایگاه فرد و ادراک و تعبیر او از وضعیت اجتماعی در تبیین امنیت و احساس امنیت توجه خاصی نشان داده و زمینه و بستر امنیت را در قضاوت‌های افراد جست‌وجو می‌نمایند.

در حوزه روانشناسی اجتماعی بیش از آن که به شرایط احساس امنیت توجه شود، به شرایطی توجه می‌شود که در آن فرد احساس ناامنی می‌کند. برخی از روانشناسان اجتماعی که در حوزه احساس ناامنی نظریات قابل‌توجهی دارند عبارتند از: کارن هورنای، فروم، آر. دی. لینگ، ملوین سیمن.

نظریه کارن هورنای: یکی از مفاهیم مطرح‌شده توسط هورنای، اضطراب بنیادی است. این اضطراب ارثی نیست بلکه حاصل فرهنگ و پرورش ماست. اضطراب بنیادی، احساس درمانده بودن در دنیای خصمانه است. از این اضطراب زمینه بنیادی برای





ایمنی یا امنیت پدید می‌آید (لاندین، ۱۳۷۸: ۲۹۶). به اعتقاد هورنای، کودک به چهار طریق می‌کوشد تا از خود در برابر اضطراب بنیادی محافظت کند و از طریق آن‌ها به امنیت دست یابد: به دست آوردن محبت و عشق؛ سلطه‌پذیری؛ دست‌یافتن به قدرت؛ کناره‌گیری کردن از دیگران. در مدل نظری هورنای روابط نامتعادل بین فرد و جامعه محیط را برای وی نامتعادل می‌سازد و منجر به انزوای وی از جامعه می‌گردد. این موضوع احساس ناامنی برای فرد ایجاد می‌کند.

نظریه فروم: فروم با مفهوم نیازهای بنیادی شرایط دنیای جدید را که در آن انسان در هویت واقعی و انسانی خود دچار اختلال شده است، توضیح می‌دهد. به نظر وی این نیازهای بنیادی عبارتند از: نیاز به وابستگی، تعالی، ریشه‌دار بودن، هویت و درک وضعیت. وی ریشه اصلی احساس ناامنی در دنیای جدید در شرایط اختلال را در برآورد این نیازهای بنیادی می‌داند.

نظریه آر. دی. لینگ: به نظر لینگ ناامنی وجودی باعث ایجاد ناایمنی در روابط با دیگران می‌شود و سه نوع از اضطراب در رابطه با دیگران به وجود می‌آورد که عبارتند از غرقه شدن، گسیختگی روانی، تحجر شخصیت و شخصیت‌زدایی. ناامنی وجودی منجر به ناامنی روانی می‌شود که به سهم خود پایه ناامنی در روابط اجتماعی است که ماحصل آن احساس ناامنی خواهد بود.

نظریه ملوین سیمن: به نظر وی ساختار بروکراسی مدرن شرایطی را ایجاد کرده که در آن انسان‌ها قادر به فراگیری نحوه چگونگی کنترل عواقب و نتایج اعمال و رفتارهای خود نیستند. وی بیگانگی اجتماعی از نظر فرد در رابطه با اجتماع را با پنج متغیر توضیح می‌دهد: احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌معنایی، احساس بی‌هنجاری، احساس انزوای اجتماعی، احساس تنفر از خویشتن.

۳-۴-۵. رویکرد آسیب‌پذیری

این رویکرد که نگاه جامعه - جمعیت‌شناسانه شناخته می‌شود، متعلق به محققانی همچون مکینتایر^۱ (۱۹۶۷) باکس، هیل و اندروز^۲ (۱۹۸۸) می‌باشد. مفهوم آسیب‌پذیری

1. Mchntyre

2. Box, Hale & Andrews



به عنوان رویکرد نظری در این حوزه، به تعامل بین سه عامل فردی، اجتماعی و موقعیتی (حسینی، ۱۳۸۶ به نقل از تامپسون، ۱۹۸۸) در قالب گزاره زیر اشاره دارد:

«انسان‌هایی که احتمال زیادی می‌دهند که در معرض جرم و ناامنی قرار گیرند، فاقد امکان دفاع مؤثر، اقدامات حفاظتی یا امکان فرار باشند و پیش‌بینی کنند که به‌طور جدی در معرض تهاجم خواهند بود، آسیب‌پذیر خوانده می‌شوند.»

هرچند آسیب‌پذیری شامل سه حوزه فوق‌الذکر می‌شود، اما این چارچوب، عمدتاً ناظر بر متغیرهای فردی و اجتماعی مانند جنسیت، سن و موقعیت اقتصادی - اجتماعی می‌باشد. جنبه‌های موقعیتی آسیب‌پذیری شامل تأثیرگذاری بر محیط فیزیکی، از نظر قراردادن در معرض جرم و فقدان کنترل می‌شود.

در رویکرد آسیب‌پذیری: زنان بیش از مردان (حسینی، ۱۳۸۶ به نقل از مکینتایر، ۱۹۶۷) افراد مسن بیش از دیگران (حسینی، ۱۳۸۶ به نقل از کوک و کوک، ۱۹۷۶) احساس ناامنی دارند و مطالعات انجام‌شده در ایران نشان می‌دهد که در حوزه امنیت مالی، زنان احساس امنیت کمتری نسبت به مردان دارند و از نظر سنی نیز تفاوت معناداری بین آن‌ها وجود ندارد. اما در حوزه امنیت جانی، مردان بیش از زنان از احساس امنیت برخوردارند. این احساس در مردان غیر وابسته و در زنان وابسته به سن است به‌گونه‌ای که زنان ۱۵ تا ۲۱ سال کمترین و زنان ۲۲ تا ۲۹ سال بیشترین احساس امنیت را دارند (حسینی، ۱۳۸۶).

از طرفی مطالعات انجام‌شده روی اختلافات نژادی و قومی (حسینی، ۱۳۸۶ به نقل از کوینجتون و تیلور، ۱۹۹۱)، میزان درآمد و همچنین سطح و میزان آموزش (حسینی، ۱۳۸۶) با احساس ناامنی در جامعه رابطه نشان داده است.

موارد زیر نمونه‌هایی است که با انتظار امنیت مردم در جامعه همخوان نیست و باعث کاهش احساس امنیت می‌شود:

- ۱) تکرار رخداد‌های مشابه نامطلوب در زمان کوتاه.
- ۲) مورد آماج قرارگرفتن ارزش‌های بالای جامعه مثل افراد برجسته مذهبی، سیاسی یا علمی.
- ۳) وقوع رخداد‌های فجیع هرچند که پرتکرار هم نباشد مثل اعدام درملاءعام.





(۴) ارتکاب جرائم برجسته توسط افراد مشهور به درستکاری.

(۵) اصرار بر انعکاس جرایم در صدر اخبار و اطلاع‌رسانی به مردم.

(۶) ارتکاب جرایم مخوف توسط مجرمین ناشناخته مانده (مجرمینی که دستگیر نشده‌اند).

(۷) وقوع جرم علیه انسان‌های ضعیف و بی‌پناه.

(۸) وقوع رخداد‌های هراس‌آور جدید مثل معرفی یک نوع ویروس یا بیماری مهلک

جدید در یک استان و اعلام احتمال همه‌گیر شدن آن.

(۹) احساس خطرات ناامنی مستقیم نسبت به خطرات ناامنی‌ساز غیرمستقیم

(احساس خطر متوجه خود).

(۱۰) وقوع رخدادها و جرایم غیرقابل کنترل مثل احتمال سقوط هواپیما برای

ساکنین حوالی فرودگاه.

(۱۱) وقوع جرائم نادر و غلو راجع به خطرات آن.

۳-۵-۵. رویکرد تجربه جرم

رویکرد دیگری که علت گزارش نگرانی نسبت به ناامنی توسط برخی از مردم و عدم گزارش توسط برخی دیگر را توجیه می‌کند، تجربه ناشی از بزه‌دیدگی است. هرچه تجربه بزه‌دیدگی فرد بیشتر باشد، ترس از ناامنی نیز بیشتر است. بر اساس این رویکرد، سطح احساس ناامنی در یک جامعه معلول سطح فعالیت‌های مجرمانه در آن است. یافته‌های متناقضی در این خصوص وجود دارد. برخی از پژوهش‌ها بین سابقه تجربه بزه و احساس ناامنی به رابطه مستقیم دست یافته‌اند و برخی دیگر رابطه معناداری گزارش نکرده‌اند؛ البته پنهان کردن احساس ناامنی در مردان (حسینی، ۱۳۷۷ به نقل از سوتال و فارال، ۲۰۰۵)، ناکارآمدی روش‌های پژوهش و نامناسب بودن مقیاس‌های انتخاب‌شده برای سنجش ترس از جرم علت این تناقضات بیان شده است.

۳-۵-۶. رویکرد بوم‌شناختی

این رویکرد به دنبال یافتن رابطه بین احساس فردی و متغیرهای زمینه‌ای مثل شهرنشینی، زندگی اجتماعی و آشفته‌گی مدنی است. برخی از مطالعات انجام‌شده در این رویکرد در پی آن بوده‌اند که نشان دهند بین محل سکونت و احساس ناامنی رابطه



وجود دارد: علائم نشان‌دهنده انحطاط فیزیکی محله و ضعف کنترل‌های اجتماعی برداشت عمومی از خطر جرم و ناامنی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نمونه‌های دیگری از ایده‌های موجود در این رویکرد عبارتند از:

(۱) ساکنین شهرهای بزرگ در مقایسه با ساکنین شهرهای کوچک احساس ناامنی بیشتری دارند.

(۲) ساکنین محلات مرکزی شهرها در مقایسه با ساکنین حومه شهرها، ناامنی بیشتری را احساس می‌کنند (حسینی، ۱۳۷۷ به نقل از بومر، ۱۹۸۵).

(۳) بین اندازه اجتماع یا شهر و احساس ناامنی رابطه معناداری وجود دارد (حسینی، ۱۳۷۷ به نقل از ویل و مک‌گریس، ۱۹۹۵).

(۴) وجود غریبه‌ها در جامعه و ناهمگونی جمعیت در محیط، احساس ناامنی را افزایش می‌دهد (حسینی، ۱۳۷۷ به نقل از تیلور، ۱۹۹۶).

به‌هرحال مطالعات مختلف نشانه‌های متعددی برای احساس ناامنی در جامعه گزارش کرده‌اند که این نشانه‌ها را می‌توان در دودسته کلی نشانه‌های اجتماعی و نشانه‌های فیزیکی دسته‌بندی کرد (حسینی، ۱۳۷۷). نوک پیکان نتیجه‌گیری این موضوع به این مطلب اشاره دارد که احساس وجود انحطاط، احساس ناامنی را به همراه دارد و این نظم یا بی‌نظمی احساس شده است که بر احساس امنیت انسان‌ها مؤثر است نه وجود یا فقدان جرم (حسینی، ۱۳۷۷ به نقل از فارال، جکسون و گری).

۶. نقد نظریه‌ها

همچنان‌که ملاحظه می‌شود، هر یک از دیدگاه‌ها و نظریه‌پردازان از منظر خاصی به مسئله امنیت و احساس آن توجه نشان داده‌اند و پارادایم حاکم بر نگاه آن‌ها، ابعاد و زوایای امنیت و احساس امنیت را واکاوی کرده است. از این‌رو دقت در گزینش اندیشه‌های محوری هریک از آن‌ها می‌تواند سمت‌وسوی نظری قضیه را مشخص‌تر نماید.

در رویکرد سنتی به امنیت نگرش سخت‌افزاری از یک‌سو و احساس ناامنی از سوی دیگر، قدرت مرکزی و ساختارهای آن‌را مدنظر قرار داده است. در رویکرد اجتماعی به شرایط اجتماعی و بلوغ اجتماعی افراد در یک جامعه و نقش آن‌ها در تأمین و حفظ





امنیت اجتماعی و احساس امنیت از این فضا مورد توجه قرار گرفته است. از منظر فلاسفه سیاسی به‌ویژه افلاطون، ارسطو و هابز با توجه به سطح رفاه و تأمین اجتماعی، تفسیر دو طبقه حاکم و عوام از شرایط اجتماعی در شکل‌دهی احساس امنیت قابلیت شاخص‌سازی پیدا کرده است. از منظر نظریه‌های جامعه‌شناختی، توجه به ساختارهای اجتماعی و نقش و کارکرد آن‌ها و تأمین رفتارهای مادی و معنوی جامعه به‌عنوان ساختاربندی نظم و امنیت عمومی برجسته شده است. از دریچه نگاه مکتب تضاد به جایگاه نقش ساختارها و بناهای حاکم بر نظام سرمایه‌داری، با کنترل ایستارها و اندیشه‌ها، امنیت عینی ظاهری را در جامعه منتشر می‌نماید ولی این امر به مفهوم وجود «احساس امنیت» متمرکز شده است.

نکته محوری پدیده احساس امنیت، اشاره به نوعی عدم مطلوبیت یا نبایدهای ذهنی است. یعنی هرچه فاصله بین بایدها و هست‌های جامعه کمتر باشد، احساس امنیت بیشتر است. یکی از پارامترهای مهم تأثیرگذار بر احساس امنیت، انتظار امنیتی است یعنی انتظاری که هر فرد توقع دارد در برابر نیروهای متعددی از آن برخوردار باشد. آن‌چه مهم است این است که این احساس معطوف به زمان حال و آینده است و آبشخور این احساس می‌تواند ریشه در رفتارهای گذشته و حال داشته باشد. هر فرد همان‌قدر که نگران امنیت حال خود است و احساس فقدان آن را در پدیده احساس ناامنی متجلی می‌بیند، همین نگرانی را برای آینده نیز دارد و شاید نگرانی برای آینده، احساس امنیت زمان حال را نیز مخدوش نماید.

به اعتقاد لرنر، انسان‌ها نیاز دارند فکر کنند در جهانی زندگی می‌کنند که به آن‌چه دلخواهشان است می‌رسند و اگر جهانی که در آن زندگی می‌کنند، محل صلح و آرامش باشد، به آن‌ها احساس آرامش جسمی و اجتماعی می‌بخشد. عدول از این نوع نگرش نیز به احساس امنیت افراد لطمه وارد می‌کند.

هرچه انتظار امنیتی افراد در جامعه بیشتر باشد، در برخورد با درجات پایین‌تری از وقوع جرم و ناامنی فیزیکی دچار احساس ناامنی می‌شوند. پس در پدیدآیی احساس امنیت، یکی از مؤلفه‌های بسیار تأثیرگذار انتظار امنیتی است که معطوف به سطح توقع مردم و معلول علل و عوامل مختلفی است.





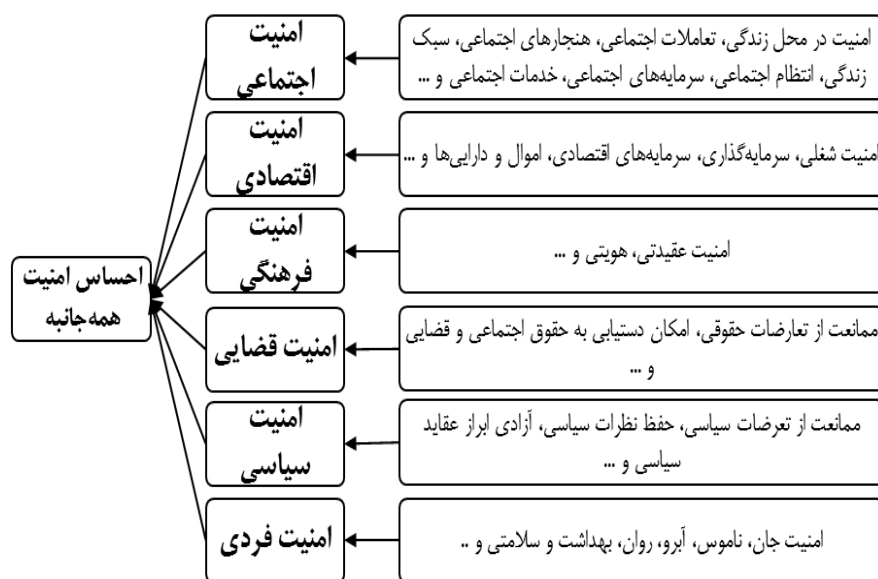
یکی دیگر از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر بعد ذهنی امنیت، متوجه بعد عینی آن است. در سنجش احساس امنیت در جامعه، معمولاً آن چه پرسیده می‌شود، تلقی مردم نسبت به جرایم و اقدامات امنیتی و ضدامنیتی است و با برداشت‌های مردم از روند وقوع جرایم سعی در درک احساس امنیت آن‌ها می‌شود. یعنی به هر حال آن چه پرسیده می‌شود، امنیت یا ناامنی عینی است و آن چه استنتاج می‌شود، امنیت ذهنی یا احساس امنیت است. پس احساس امنیت در کنار سایر عوامل، به امنیت عینی جاری جامعه در زمان حال و گذشته وابسته است.

با توجه به این دو مؤلفه معرفی شده می‌توان چنین گفت که هرچه انتظار امنیتی بیشتر باشد، وقوع جرم یا بروز ناامنی ناپذیرفتنی‌تر و شکاف بین امنیت مطلوب و امنیت موجود بیشتر و احساس امنیت کمتر می‌شود.

۷. مدل مفهومی

بر اساس مطالعات انجام‌شده و نظریاتی که ارائه گردید با مبنا قراردادن فرمایشات مقام معظم رهبری در خصوص احساس امنیت می‌توان مدل مفهومی زیر را ارائه کرد:

نمودار ۱۰. مدل مفهومی



۸. نتیجه‌گیری

مطالعات انجام‌شده در نظریات اسلامی، اندیشه‌ها و آرای مقام معظم رهبری و پس‌از آن اندیشمندان دوره‌های مختلف نشان می‌دهد امنیت همه‌جانبه، امنیت در همه ابعاد را شامل می‌شود. احساس امنیت همه‌جانبه نیز احساس امنیت توسط افراد جامعه در همه ابعاد تعریف‌شده برای امنیت است. برای این که این احساس به افراد دست بدهد باید حکومت (شامل تمام سیاست‌گذاران، قوا، دستگاه‌ها و نهادها) در همه ابعاد آن تلاش و برنامه‌ریزی گسترده‌ای داشته باشد. مطالعات انجام‌شده در این مقاله در راستای احصاء روش‌های ایجاد احساس امنیت بود تا بر آن اساس بتواند راهکارهایی برای ایجاد احساس امنیت همه‌جانبه و ارتقای آن ارائه نماید. بر اساس نظریات ارائه‌شده در این مقاله می‌توان راهکارهای زیر را برای ارتقای احساس امنیت همه‌جانبه پیشنهاد داد. شمولیت، سطح‌بندی و رتبه‌بندی این راهکارها قابل‌سنجش است:

(۱) ارتقای باور مردم به نقش اطمینان‌بخش ایمان به خدا به‌عنوان اولین عنصر احساس امنیت قلبی.

(۲) ارتقای باور مردم به نقش مؤثر و غیرقابل‌انکار ولی‌فقیه در رأس هرم هدایت نظام اسلامی و نقش برجسته ایشان در حفظ و تداوم امنیت ملی.

(۳) هماهنگی بین قوای سه‌گانه در تابعیت از مقام عظمای ولایت برای ارتقای امنیت ملی و التزام به ارتقای امنیت جامعه‌گانی برای حفظ و تداوم احساس امنیت در جامعه.

(۴) ایجاد قوانین، مقررات و ضوابط لازم و کافی برای رویارویی با مخلان امنیت همه‌جانبه در جامعه و بازنگری و اصلاح قوانین موجود در صورت لزوم.

(۵) اجرای ضوابط و مقررات موجود برای کوتاه کردن دست مخلان امنیت همه‌جانبه در جامعه.

(۶) اقتدار نهادهای امنیت‌ساز جامعه در ایجاد امنیتی پایدار در همه سطوح و تلاش برای جلب رضایت و حمایت جامعه.

(۷) جلوگیری از کشیده‌شدن اختلاف‌سلیقه بین نهادها به متن عمومی جامعه و استفاده دشمنان و بدخواهان برای به تصویر کشیدن نابسامانی‌ها و ناامنی در جامعه.

(۸) ایجاد، حفظ، تداوم و ارائه راهکارهای مناسب برای اتقان افکار عمومی جامعه

مبنی بر وجود امنیت عرضی، عقیدتی و فرهنگی.



- ۹) جلوگیری از فعالیت رسانه‌ها برای انجام تبلیغات گسترده و همگانی که موجب اغوای مردم در سرمایه‌گذاری‌های عظیم و عجیب اقتصادی می‌گردد.
- ۱۰) ایجاد پشتوانه‌های اجتماعی برای حمایت از افراد جامعه در صورت بروز رخدادهای ناخواسته و تسهیل در ارائه خدمات به آسیب‌دیدگان برای جبران خسارت‌های واردشده.
- ۱۱) جلوگیری از رشد بی‌رویه قطب‌های کاذب و کارتل‌های اقتصادی (معروف به سلطان) در راستای حمایت از فعالان اقتصادی باهدف ایجاد احساس امنیت اقتصادی.
- ۱۲) نظارت و کنترل دقیق بر عملکرد نهادها جهت ممانعت از انحراف افراد برجسته و مشهور از اصول ارزشی و اخلاقی.
- ۱۳) شفاف‌سازی اطلاعات و آگاه‌سازی جامعه به روش‌های مطلوب برای جلوگیری از فعالیت مغرضانه برخی از رسانه‌ها به بهانه شفاف‌سازی، اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی جامعه و اشاعه اخبار نادرست.
- ۱۴) تلاش حکومت برای تأمین نیازهای اولیه افراد جامعه و هدایت کلیه امکانات موردنیاز بخش‌های مختلف دولتی و غیردولتی در جهت اجرای این امر به‌منظور دستیابی افراد به استحقاق رفاهی و خدمات اجتماعی.
- ۱۵) ارتقای شاخص‌های رفاهی و ممانعت از ایجاد فاصله‌های شدید طبقاتی با اجرای دقیق و صحیح قوانین و مقررات به‌ویژه قوانین اقتصادی، مالی و مالیاتی.
- ۱۶) جلوگیری از بهره‌کشی، تقلب و تحقیر در جامعه باهدف ارتقای کیفیت کلیه خدمات ارائه‌شده به مردم به‌منظور تأمین اعتماد عمومی.
- ۱۷) حمایت همه‌جانبه از اقشار آسیب‌پذیر جامعه به‌منظور ارتقای سطح اعتماد عمومی.
- ۱۸) جلوگیری از رانت‌خواری منتسبین و وابستگان به نهادهای حکومتی در امور اقتصادی به‌منظور ارتقای امنیت شغلی حوزه‌های کوچک اقتصادی.
- ۱۹) ممانعت از تخریب گسترده شخصیتی افراد برجسته مذهبی و سیاسی به بهانه فعالیت‌های حزبی و گروهی.
- ۲۰) جلوگیری از جوسازی‌های عمده برای امنیتی جلوه دادن رخدادهای غیرامنیتی.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- بیانات مقام معظم رهبری برگرفته از وبگاه دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه‌ای به آدرس الکترونیکی:
<http://farsi.khamenei.ir>
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۲). «ساختار اجتماعی امنیت». مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی. تهران: معاونت اجتماعی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۵). «امنیت عمومی به مثابه یک فرهنگ». فصلنامه امنیت عمومی. دوره ۱، شماره ۱.
- امیرکافی، مهدی (۱۳۸۷). «بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن». فصلنامه تحقیقات علوم اجتماعی ایران. سال ۱، شماره ۱، صص: ۲۵-۱.
- بوزان، باری؛ ویور، الی؛ ویلد، پاپ (۱۳۸۶). «چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت». مترجم: علی رضا طیب. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیات، بهرام (۱۳۸۸). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس امنیت شهروندان تهرانی (با تأکید بر رسانه‌های جمعی، عملکرد پلیس و بروز جرایم)». فصلنامه علمی پژوهشی انتظام اجتماعی، سال ۱، شماره ۱.
- بیات، بهرام (۱۳۸۸). «جامعه‌شناسی احساس امنیت». تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- پورمؤذن، علی محمد (۱۳۸۳). «بررسی رابطه نقش اجتماعی و حساس امنیت خانواده‌ها». پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه علوم انتظامی، دانشکده فرماندهی ستاد.
- حسینی، حسین (۱۳۸۶). «احساس امنیت: تأملی نظری بر پایه یافته‌های پژوهشی». فصلنامه علمی پژوهشی امنیت، سال ۵، شماره ۴.
- حسینی، حسین (۱۳۸۶). «مدیریت احساس امنیت در جامعه». فصلنامه علمی پژوهشی امنیت، سال ۶، شماره ۱.
- ره‌پیک، سیامک؛ گروه مطالعاتی امنیت (۱۳۸۷). «نظریه امنیت جمهوری اسلامی ایران». تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی.
- ریتز، جورج (۱۳۷۳). «نظریه‌های جامعه‌شناسی». ترجمه احمد غروی‌زاد، تهران: انتشارات مآجد.
- صباغیان، علی (۱۳۹۲). «امنیت انسانی و دفاع همه‌جانبه». فصلنامه مطالعات راهبردی. سال ۱۶، شماره ۴.
- غرایق زندی، داود (۱۳۸۹). «مفهوم امنیت ایمانی در قرآن کریم». فصلنامه مطالعات راهبردی. دوره ۱۳، شماره ۵۰.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). «پیامدهای مدرنیت». مترجم: محسن ثلاثی، چاپ سوم. تهران: نشر مرکز.
- لاندین، رابرت ویلیام (۱۳۷۸). «نظریه‌ها و نظام‌های روانشناسی». مترجم: یحیی سید محمدی. تهران: مؤسسه نشر ویرایش.
- مدیری، آتوسا (۱۳۸۵). «جرم، خشونت و احساس امنیت در فضای عمومی شهر». فصلنامه رفاه اجتماعی، ش ۲۲.
- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۲). «درآمدی بر امنیت اجتماعی». فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۶، شماره ۱۹.